

عوامل مؤثر در بروز خلاقیت و ابتکار فرماندهان

در دوران دفاع مقدس

سرتیپ دوم پاسدار حسین بیات

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) - دانشکده افسری (علوم پایه نظامی)

چکیده

به دنبال ظهور انقلاب مقدس اسلامی ایران، استکبار جهانی جنگی تمام عیار را به منظور نابودی انقلاب بر ما تحمیل کرد. عوامل برتری‌ساز دشمن بسیار چشمگیر بود، و به طور طبیعی باید نتیجه‌ای جز پیروزی برای دشمن و شکست برای ما حاصل نمی‌شد ولی نتیجه نبرد چیز دیگری شد، عوامل متعدد منحصر به فردی صحنه نبرد را تغییر داد و شکستی معجزه‌گونه را بر دشمن مجهز و مغرور تحمیل کرد. مجموعه این عوامل خود عاملی مؤثر بر تفکری خلاق و عامل ظهور ابتکارات وسیع در صحنه جنگ شد.

در این مقاله به چند عامل مهم از بین عوامل متعدد تأثیرگذار اشاره می‌شود عواملی همچون؛ روحیه و تفکر انقلابی، برتری فیزیکی دشمن، سبک و شیوه خاص فرماندهی و توکل و توسل از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز و ظهور انواع خلاقیت و ابتکار، از خلاقیت در استراتژی گرفته تا ابتکار در تاکتیک و تکنیک می‌باشد.

در واقع، قدرت تفکر خلاق بر قدرت فیزیکی دشمن فائق آمد و همه تحلیل دشمن را بر

هم زد هر چند عوامل ذکر شده اثرات و نتایج دیگری نیز به همراه داشت ولی تأثیر این عوامل بر بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات تأثیر بسزایی داشته و اساسی داشت. بدیهی است توجه منطقی به این عوامل و تعمیق آن قطعاً در نبرد آینده با استکبار نیز عامل برتری‌ساز جبهه خودی است.

مقدمه

بدون تردید جنگ تحمیلی میدان بروز و ظهور انواع نوآوری و ابتکار و خلاقیت در عرصه‌های مختلف نبرد بود. از ابتکار در طراحی‌ها تا خلاقیت در امور فنی و مهندسی گرفته تا خلاقیت در حوزه فرماندهی و رهبری نبرد و بدون تردید در این میدان سهم وافر جبهه خودی نسبت به دشمن کاملاً آشکار است.

بنابراین توجه به چند نکته ضروری است:

- ۱- به تحقیق دوران دفاع مقدس میدان بروز انواع خلاقیت‌ها بوده و پرداختن به انواع خلاقیت‌ها و ابتکارات و مصادیق آن امری مهم و لازم است.
- ۲- اینکه یکی از عوامل اساسی در کسب پیروزی‌ها، عامل خلاقیت و ابتکار عمل رزمندگان و فرماندهان بود، نیز امری قطعی است.
- ۳- اما بهتر از دو نکته ذکر شده پرداختن به علل و عوامل و شرایط ظهور و بروز خلاقیت‌هاست؛ زیرا باید:

اولاً، غرور کاذب ایجاد نشود و همه ابتکارات به حساب توانمندی فردی گذاشته نشود.

ثانیاً، به حقیقت آنچه واقع شد توجه بیشتر و عمیق‌تری شود تا باعث عبرت نسل آینده گردد.

ثالثاً، از تجارب حاصل شده به صورت علمی در نبردهای آینده استفاده مطلوب به عمل آید.

رابعاً، زمینه‌های بسترساز و عوامل اصلی تأثیرگذار تقویت شده و تعمیق یابد.

چرا که علی‌رغم اینکه در فضا و بستر غیر دینی و غیر الهی نیز قدرت تفکر کارساز است و عوامل بروز خلاقیت وجود دارد، ولی در بستر و فضای دینی و الهی کارآمدی تفکر بیشتر و ابعاد آن بسیار وسیع‌تر خواهد بود و به همین دلیل در این مقاله سعی شده است به این دسته از عوامل بیشتر پرداخته شود.

عوامل مؤثر در بروز خلاقیت و ابتکار فرماندهان در دوران دفاع مقدس

۱- وجود تفکر و روحیه انقلابی

وجود چنین روحیه و تفکری در اکثر فرماندهان جنگ (بخصوص سپاه) به عنوان یک عامل ریشه‌ای نقش و تأثیر عمده داشت.

به طور کلی در درون کلمه و واژه انقلابی، مفاهیمی همچون؛ قانع نبودن به وضع جاری، دائم به دنبال فکر نو و راه کار جدید بودن، تحرک و پویایی نهفته است. فکر انقلابی همواره به دنبال ایجاد تحول و نوآوری است. چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«در روحیه انقلابی، فداکاری و ایثار در او هست، ابتکار و کوچک شمردن موانع در او هست، اتکای به خود و توکل به خداوند در او هست.»^۱

چون قریب به اتفاق فرماندهان جنگ دارای روحیه و تفکر انقلابی بوده‌اند و از جمله انقلابی‌ترین انقلابیون و مبارزین در این انقلاب بودند. بنابراین، فکر انقلابی بر گرفته از روحیه انقلابی، در مجموعه مدیریت و رهبری جنگ موج می‌زد. همین تفکر بود که به طور کلی به جنگ کلاسیک و محاسبات معمول آن اعتقادی نداشت و طرفدار جنگ انقلابی متکی بر تفکر انقلابی و معتقد به برتری تفکر بر عده و عده ظاهری در جنگ بود. همین تفکر و روحیه بود که در هیچ شرایطی از برتری ظاهری دشمن در عرصه‌های مختلف هراسی به دل راه نداد و همواره به دنبال پیدا کردن راه کار جدید، طرح جدید و فکر نو بود تا به اتکای به آن بتواند بر قدرت ظاهری دشمن پیروز شود و ابتکار عمل را در جنگ به دست گیرد.

در این زمینه یکی از فرماندهان سپاه می‌گوید: فرماندهان سپاه معتقدند دگرترین انقلابی و پویا برتر از دگرترینی است که به معیارهای کمی و ابزارهای کلاسیک و مدرن متکی است. در نتیجه این تفکر می‌توان با استفاده از تدبیر و ابتکار، توازن قوا را به نفع خودی به هم زد و ابتکار عمل را بدست گرفت.^۲

یکی دیگر از فرماندهان در شرح چگونگی اتخاذ تدابیر مبتکرانه در عملیات نبرد العمیه می‌گوید:

«بچه‌ها تا صبح می‌نشستند و روی طرح مانور بحث می‌کردند، بچه‌ها با قلبی مطمئن می‌گفتند ما این کار را می‌کنیم، می‌رویم و هدف را می‌گیریم.»^۳

۱- سپاه از دیدگاه مقام معظم رهبری: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، ۱۳۷۱، چ اول، ص ۶۵.

۲- نبرد العمیه: مرکز عملیات جنگ سپاه، ص ۶۳.

۳- نبرد العمیه: مرکز عملیات جنگ سپاه، ص ۶۴.

و این روحیه انقلابی نمی‌پذیرد که دشمن دست نیافتنی است و نمی‌پذیرد که چون برتری فیزیکی دشمن قطعی است، جنگ با او غیرمنطقی است.

این تفکر ریشه‌اش در همان تفکر انقلابیون قوم موسی علیه السلام است که در نبرد با قوم مقتدر جالوت گفتند: کم من فئه قلبه غلبت فئه کثیره باذن الله^۱ و به پیروزی دست یافتند.

در اینجا به یک نمونه از اثر چنین تفکری اشاره می‌شود:

در عملیات والفجر ۸ در ادامه عملیات هجومی نیروهای خودی در منطقه فاو عراق، یک مقر تیپ دشمن به شدت مقاومت می‌کرد و حاضر به تسلیم نبود. در چنین وضعیتی، یکی از فرماندهان شهید این عملیات طرحی ارائه داد که فقط با یک دستگاه تانک به درون مواضع دشمن نفوذ کرده و از عقب خط اول این مقر تیپ به مواضع آنها هجوم کند و کل مقر را به تصرف در آورد. در کمال ناباوری این حرکت مبتکرانه (البته با وجود روحیه شجاعانه این فرمانده سپاه اسلام) نتیجه کامل داد و یک دستگاه تانک بر یک مقر مستحکم دشمن فائق آمد.^۲ همین روحیه و تفکر بود که منشأ طراحی بسیاری از عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز در دوران دفاع مقدس گردید، عملیات‌هایی نظیر طریق القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر ۸ و کربلای ۵ به اتکای چنین تفکری در صحنه نبرد مقدس ۸ ساله طراحی و اجرا شدند.

بی‌اعتنائی به قدرت و برتری دشمن و شجاعانه به دنبال طراحی عملیات‌های هجومی نابرابر در مقابل دشمن مقتدر رفتن ناشی از چنین روحیه‌ای بود و نکته بسیار مهم در عرصه نبرد و در بحران و فشار جنگ این است که به طور طبیعی به دلیل وجود ترس و اضطراب، فشارهای فیزیکی و روانی، محدودیت‌ها و سختی‌ها، قدرت کنترل بر تفکر سلب می‌شود و افراد نوعاً قادر به تسلط خود نیستند و حتی توان عادی خود را نیز از دست می‌دهند. در چنین شرایطی فرد می‌تواند منفعل نشده بلکه برعکس با آرامش و بدون هیچ تزلزل تصمیم‌گیری کند، آن هم تصمیمی توأم با خلاقیت و ابتکار که پشتوانه‌ای بسیار قوی و عمیق داشته باشد و این پشتوانه چیزی جز تفکر انقلابی متکی به باور دینی و الهی نیست و چنین معجزه‌ای در جبهه باطل اتفاق نمی‌افتاد. بنابراین قدرت تفکر برتر از جمله عوامل پیروزی بخش جبهه حق است.

۲- برتری ظاهری و فیزیکی دشمن، محدودیت‌ها و کمبودهای جبهه خودی

بدون شک شرایط در جنگ ۸ ساله حاکی از برتری مطلق دشمن در زمینه‌ها و عرصه‌های

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲- بر اساس مشاهدات و اطلاعات نگارنده در حین عملیات والفجر ۸.

گوناگون فیزیکی در برابر انبوهی از کمبودها و محدودیت‌های جبهه خودی بود. کمک‌های بی‌قید و شرط استکبار غرب و شرق و کشورهای عربی در طول دوران جنگ یک واقعیتی غیرقابل انکارناپذیر است و از طرفی محاصره اقتصادی و محدودیت‌های تحمیل شده در زمینه‌های مختلف تجهیزات و ابزارهای جنگی به جبهه خودی و اوضاع بسیار بحرانی اوایل انقلاب، وضعیتی کاملاً نابرابر را در جنگ پیش آورده بود.

بنابراین، توجه خردمندان به چنین وضعیتی، مدیریت جنگ را به تفکر بیشتر و بهره‌گیری از فکر خلاق به منظور جبران چنین تفاوت فاحش فیزیکی در جنگ وادار می‌کرد. در سراسر دوران دفاع مقدس این عامل به عنوان یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار نقش خود را به خوبی نشان داد.

جایگزین کردن طرح و روش و راه‌کار جدید به منظور جبران سایر کمبودها به عنوان یک استراتژی در رهبری و مدیریت جنگ جای خود را باز کرد و در نتیجه به ناچار مسأله تفکر و تجزیه و تحلیل و همواره در پی کشف راه‌کار جدید بودن به عنوان یک اصل مهم در همه سطوح فرماندهی مورد توجه قرار گرفت. در دوران دفاع مقدس طراحی عملیات‌های بزرگی همچون خیبر و بدر، والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵ دقیقاً بر همین مبنا شکل گرفت. به طور کلی، وجود تفکر انقلابی در فرماندهی جنگ و تحمل شرایط ذکر شده یعنی برتری قدرت فیزیکی دشمن و عامل توکل و توسل که به عنوان عامل سوم مورد بحث قرار می‌گیرد، نتیجه‌اش خلق سبک جدیدی از فرماندهی و مدیریت بود که ما آن را سبک فرماندهی انقلابی می‌نامیم.

این سبک از مدیریت و فرماندهی می‌تواند به عنوان یک عامل مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و امتیازات شاخص آن در برابر همه سبک‌های موجود در ارتش‌های دنیا مورد بحث و توجه قرار گیرد. از جمله امتیازات این نوع فرماندهی وجود نوعی ارتباط کم‌نظیر بین فرمانده و فرمانبر است. اعتماد و احترام کامل، تبعیت‌پذیری توأم با علاقه وافر و اجرای دستورات توأم با ایثار و گذشت است.

یکی دیگر از ویژگی‌های این نوع فرماندهی، حضور فرمانده با نیروهای تحت امر در سخت‌ترین شرایط بحرانی نبرد و اتخاذ تصمیم متناسب با صحنه نبرد آن هم در حادث‌ترین زمان است. زیرا معمولاً به دلیل عدم حضور فرمانده در نقطه بحران، در سبک‌های کلاسیک و معمول، اخذ تصمیم از راه دور دقیق و منطقی نبوده و یا تصمیم توأم با قبول خطر و دارای عنصر شجاعت نیست و بدین ترتیب این نکته نیز یک عامل برتری بخش در جبهه خودی است. به طور مثال، انتخاب منطقه هور به عنوان منطقه عملیاتی، خود یک ابتکار مثال زدنی است و هدف این انتخاب تحمیل وضعیتی ناخواسته بر دشمن است تا اولاً موجب غافلگیری کلی او شود و ثانیاً نتواند از برتری فیزیکی خود به دلیل محدودیت‌های خاص منطقه

استفاده کند و در پی این انتخاب ابتکاری، ناگزیر طراحی‌های عملیاتی، مهندسی و... دارای نوعی ابتکار و نوآوری شدند.

مسئله عبور از حدود ۴۵ کیلومتر آب هور و انتخاب راه‌کار برتر جهت هجوم به مواضع دشمن خود پدیدآورنده انواع و اقسام پدیده‌های ابتکاری است.

بنابراین، فقط در این بخش شاهد بروز چندین نوآوری مثال‌زدنی هستیم، طراحی انواع و اقسام پل‌های سبک، نفر رو و سنگین جزیی از این مهم است و یا انتخاب منطقه عملیاتی والفجر ۸ و عبور از رودخانه اروند رود و هجوم به منطقه فاو عراق در واقع غافلگیر کردن دشمن است نسبت به اصل منطقه عملیاتی، در جایی که دشمن تصور نکند نیروهای خودی با همه کمبودها و محدودیت‌ها دست به عملیاتی بزرگ بزنند. انتخاب این منطقه عملیاتی به عنوان یک ابتکار عمل بزرگ در جنگ محسوب می‌شود و در نتیجه و به دنبال آن پدیده‌های جدید و ابتکاری متعدد دیگری را شاهد هستیم.

در اینجا نیز مسئله عبور، نحوه هجوم، نحوه سرپل‌گیری و به دنبال آن تعمیق منطقه نبرد انواع طرح‌های ابتکاری را به همراه داشت که شرح آن خارج از محدوده این بحث است. از این رو می‌توان به یک نتیجه کلی نیز اشاره کرد: ابتکار در استراتژی عامل بروز ابتکار در تاکتیک و تکنیک است و در مجموع انتخاب منطقه‌ای که دشمن را غافلگیر کند به طوری که نتواند از همه توان فیزیکی خود بهره‌برد و یا حداقل در شروع نبرد نتواند مقاومت کند به عنوان اصل دیگری در حوزه مدیریت و رهبری جنگ جای خود را باز کرد و استفاده از هجوم شبانه به عنوان یک اصل مورد توجه قرار گرفت.

در اینجا علاوه بر نمونه‌های ذکر شده به چندین مورد از ابتکارات محدودتر اشاره می‌شود:

الف - عملیات کربلای ۳ (نبرد العمیه)

اولاً، این نبرد خود نوعی مبارزه فکر و تدبیر با فناوری و تجهیزات برتر بود و به همین دلیل برای نخستین بار کمیته‌ای تحت عنوان کمیته ابتکارات راه‌اندازی شد. اعضای اصلی این کمیته شامل فرماندهان و مسؤولین اطلاعاتی و مهندسی قرارگاه نوح و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و تعدادی از مهندسين بسیجی و انقلابی بود.

از جمله طرح‌های ابتکاری که به منظور جبران کمبودهای فیزیکی و برای مقابله با فناوری

پیشرفته عراق بود، شامل:

- ۱- نصب رادارهای تجاری بر روی شناورهای تندروی عاشورا و استفاده عملیاتی از این رادارها.
- ۲- تجهیز قایق‌های تندرو به سلاح‌های نیمه سنگین مناسب که در پی بررسی‌های مفصل فنی و عملیاتی و آزمایش سلاح‌های متعدد و مختلف صورت گرفت.

۳- طراحی و ساخت تجهیزات ابتکاری جهت صعود به اسکله‌های دشمن در عمق ۱۱ کیلومتری از ساحل خودی با قابلیت حمل و نقل بوده که غواصان موج اول بتوانند به آسانی از آن صعود کنند، در این بخش دو نوع وسیله سیار و ثابت ابداع شد.

۴- طراحی و ساخت انواع پاسگاه‌های شناور به‌گونه‌ای که بتواند برای به کارگیری خمپاره‌اندازها، تانک، توپ ضدهوایی و... جوابگو باشد.

۵- اتخاذ تدابیر ابتکاری به منظور مقابله قایق‌های تندرو با حملات شناورهای عراقی در زمینه‌هایی همچون قدرت تحرک و قدرت هجومی و دفاعی مورد نیاز.

۶- طرح ابتکاری نارالرحمه: این طرح توسط یک تیم از مهندسين بسیجی تهیه شد. خلاصه طرح بدین شرح است:

از منطقه فاو عراق، نفت موجود در لوله‌های فاو - البکر را با پمپ‌های قوی به منطقه اسکله البکر پمپاژ کردند و بعد از اینکه نفت در منطقه اسکله متراکم شد با شلیک گلوله توپ ۱۵۵ میلی‌متری اسکله و اطراف آن به آتش کشیده شد، شدت آتش به‌گونه‌ای بود که از فاصله ۳۵ کیلومتری آثار آن کاملاً مشهود بود. این آتش حتی تعدادی از قایق‌های عراقی را نیز سوزاند.^۱

ب - عملیات طریق‌القدس (محور عملیاتی لشگر ۱۴ امام حسین (ع))

۱- بعد از اینکه مرحله اول عملیات با طرح ابتکاری عبور از منطقه رملی و نفوذ در عمق ۱۸ کیلومتری مواضع دشمن و تسلط بر توپخانه دشمن به اتمام رسید، روز اول عملیات، لشگر امام حسین (ع) به فرماندهی شهید خرازی آماده می‌شد تا عملیات را ادامه دهد و دشمن را تا تنگه چزابه منهدم کند و به عقب براند. در شرایطی که هیچ‌گونه اطلاعاتی از وضعیت دشمن، بعد از مرحله اول عملیات در دست نبود و هیچ‌گونه ابزاری هم جهت کسب اطلاع از موقعیت، استعداد و آرایش دشمن در اختیار لشگر نبود، شهید خرازی در کوتاه‌ترین زمان به تشکیل یک گروهان قدرتی و حرکت این گروهان به سمت دشمن و درگیر شدن به منظور کسب حداقل اطلاع از دشمن تصمیم گرفت. این حرکت ابتکاری به منظور کسب اطلاعات به دلیل نداشتن سایر ابزار اطلاعاتی به عنوان تنها راه کار و حاکی از شجاعت و روح انقلابی فرمانده دلیر اسلام بود و نتیجه هم حاصل شد.^۲

۱- نبرد العمیه: مرکز عملیات جنگ سپاه، صص ۴۷-۵۴.

۲- یک روز تا چزابه، صص ۱۷-۲۲.

۲- تدبیر ابتکاری بعدی شهید خرازی در ادامه حرکت قبلی نیز قابل ذکر است: براساس اطلاعات کسب شده احتمال هجوم نیروهای عراقی قبل از هجوم نیروهای خودی زیاد بود و در چنین حالتی عملیات با مشکل اساسی روبرو می‌شد، از طرفی برای جلوگیری از حمله احتمالی دشمن امکان تشکیل خط دفاعی مستحکم و درگیر کردن حتی یک گردان نیز نبود. در چنین حالتی عملیات با مشکل اساسی روبه‌رو می‌شد، در این شرایط بحرانی فرمانده مبتکر لشکر اسلام تصمیم زیر را اتخاذ کرد:

انتخاب ۳۰ نفر از نیروهای زبده و شهادت‌طلب و استقرار آنها با فاصله نسبتاً زیاد تا خطی در حد و اندازه یک گردان تشکیل که با حجم آتش و ایثار و گذشت این تعداد نیرو از هجوم دشمن از جناح راست نیروهای خودی جلوگیری شود تا گردان‌های دیگر آماده هجوم به دشمن شوند. این تدبیر ابتکاری نیز مؤثر واقع شد و دشمن نتوانست نقشه خود را اجرا نماید و بنابراین عملیات نیروهای خودی به موقع و با قدرت انجام شد.^۱ در مجموع یک نکته اساسی و مهم دیگر قابل ذکر است و آن نوع برخورد با واقعیت کمبود و یا برتری فیزیکی دشمن است. برخورد منطقی عاقلانه توأم با همان پشتوانه ایمانی می‌تواند عاملی در جهت ظهور تفکر خلاق باشد ولی برخورد غیرمنطقی و منفعلانه موجب رکود و خشکی چشمه تفکر گردد.

۳- عامل توکل بر خداوند و توسل به ائمه معصومین (علیهم‌السلام): توکل به معنی خود را کاملاً به خدا واگذار کردن و فقط دل به او سپردن در شدیدترین اوضاع بحرانی است که راه‌ها همه بسته و فکرها همه منجمد شده‌اند. در این شرایط فقط یک راه باقی می‌ماند همه چیز را به او سپردن و کارها را به او واگذار کردن، در این حالت دریچه‌ای گشوده می‌شود و راه‌کار جدید نمایان و گره کار باز می‌شود.

در اینجا خود اوست که به صحنه مبارزه آمده و فکر جدید و راه‌کار نو را در ذهن و فکر فرماندهان جنگ القاء می‌کند و با توسل بر معصومین و استمداد طلبیدن از آنها و به دنبال آن توجه به عنایات آن بزرگواران و نشان دادن راه‌کار جدید و باز کردن گره عملیات و... که این نوع توسل در جنگ تاریخ اسلام کم نظیر است همان‌طور که توسل عامل روشنی دل و قلب است، عامل روشنی فکر و اندیشه نیز می‌شود.

در این بخش به چند نمونه از این عوامل راهگشا اشاره می‌شود:

۱- عملیات کربلای ۳

در شرایط بسیار سختی که عملیات کاملاً گره‌خورده و تقریباً همه فرماندهان ناامید شده بودند، گردان حضرت یونس (گردان غواصان هجوم‌کننده لشکر ۱۴ امام حسین(ع)) در دل امواج خروشان گرفتار شده و اکثر رزمندگان پراکنده شده و از مسیر حرکت به سمت اسکله العمیه دور افتاده‌اند، هوا رو به روشنی است و همه امیدها ناامید، ناگهان تدبیری الهی به ذهن جانشین فرماندهی گردان خطور می‌کند. او می‌گوید:

«بی‌رمق و خسته بودیم و در حالی مأیوسانه نگران بودیم که اگر در آخرین فرصت اقدام نکنیم، بچه‌ها اسیر خواهند شد و جز شرمندگی در محضر حضرت ولی‌عصر(عج) و حضرت امام(ره) چیزی نخواهیم داشت. در این شرایط خدا گواه است که خودم را در این تدبیر دخیل نمی‌دانم، اصلاً من نبودم، یک کار و حرکت غیر اختیاری بود...»
در این اوضاع بحرانی او تدبیر می‌کند که سه نفر از اسکله بالا روند و سرپل را بگیرند تا بقیه افراد و قایق‌ها به سمت اسکله حرکت کنند.

این تدبیر عجیب با توکل بر خداوند محقق می‌شود و با عملیاتی غیرقابل باور سرپل بر روی اسکله گرفته می‌شود و در نتیجه کل اسکله به تصرف نیروهای اسلام در می‌آید.^۱

۲- عملیات فتح‌المبین

در حالی که نسبت به صحت نقشه عملیاتی کشیده شده تردید و ابهام وجود دارد، در نهایت فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) از قرآن استعانت می‌طلبد و با امداد غیبی و الهی تردیدها برطرف شده و راه‌کار به صورت راه‌کار قطعی و متقن ظهور می‌کند.

در پی آن، تدبیر الهی دیگری بر ذهن فرمانده خطور می‌کند: روشن کردن ناگهانی چراغ کلیه تانک‌ها و نفربرها و خودروها و شلیک هم‌زمان سلاح‌ها، این حرکت، رعب و وحشت عجیبی در دل دشمن ایجاد می‌کند و هجوم نیروهای خودی از عمق ۸۵ کیلومتری پشت خط اول دشمن شروع می‌شود و در نتیجه جبهه دشمن منهدم می‌گردد.

۳- در زمان غائله کردستان در تسلط دشمن بر جاده مهاباد

پس از طی جلسه‌ای طولانی و بحث و تجزیه و تحلیل خسته‌کننده در خصوص تدبیر و راه‌کار مناسب برای هجوم به مواضع دشمن و باز کردن جاده مهاباد، ناگهان شهید بزرگوار بروجردی

۱- نبرد العمیه: مرکز عملیات سپاه، صص ۱۴۸-۱۵۵؛ شرح این عملیات الهی آمده است.

با ذکر صلوات و با توکل بر خداوند یک راه‌کار را با قاطعیت مطرح و وظایف هر رده را ابلاغ می‌کند. اوضاع جلسه و فرماندهان دگرگون می‌شود و همه از حالت تردید خارج شده و با اطمینان قلبی الهی از جلسه خارج و عملیات با موفقیت کامل به انجام می‌رسد.

نتیجه‌گیری

بدون شک در نبردهای آینده نیز بهره‌گیری از تفکر خلاق و اتکای به طرح‌های ابتکاری امری ضروری و قطعی است.

جبهه اسلام ناچار از تقویت و تعمیق روحیه انقلابی است، در نبردها آتی، وجود روحیه و تفکر انقلابی امری واجب است در غیر این صورت به کلی جبهه حق از قبل خود را باخته است، از طرفی در نبردهایی آینده نیز برتری فیزیکی دشمن مسئله‌ای واضح و روشن است، محدودیت و کمبود و اختلاف فناوری بین جبهه خودی و دشمن قطعی است.

بنابراین، با بهره‌گیری از تجربه دوران دفاع مقدس و قبل از شروع نبرد آینده، ضروری است برای جبران آن کمبود و فاصله، هرچه بیشتر و عمیق‌تر از تفکر خلاق بهره‌گیری شود و زمان آن هم اکنون فرا رسیده است و حتی بهتر است بگوییم زمان را از دست داده‌ایم. از همه مهم‌تر و واجب‌تر، مسئله توکل است، توکل بر خداوند و اتصال به قدرت لایزال او هرچه بیشتر باید در عمق روح و وجود نیروهای جبهه حق رسوخ کند، تعمیق فرهنگ دینی و پرهیز از خودبینی و اتکای به توان ظاهری، امری ضروری و راهگشا است. هرچه بر پیچیدگی دشمن اضافه شود، جبهه خودی باید علاوه بر تلاش در جهت کسب قدرت جنگی و فیزیکی بر قدرت ایمان و باور خود به خداوند بیفزاید.

فهرست منابع

- ۱- خامنه‌ای، آیه‌الله‌العظمی علی. *سپاه از دیدگاه مقام معظم رهبری*؛ مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، چ اول، سال ۱۳۷۱.
- ۲- بنی‌لوحی، سیدعلی. *شور عاشقی*؛ مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ هفتم، سال ۱۳۷۹.
- ۳- بنی‌لوحی، سید علی. *یک روز تا جزایه*؛ مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ هفتم، سال ۱۳۷۹.
- ۴- درودیان، محمد. *نبردهای شرق کارون*؛ مرکز مطالعات جنگ سپاه، چ اول، سال ۱۳۷۴.
- ۵- لشگر ۱۷ علی‌بن ابیطالب: مسیح کردستان، چ اول، سال ۱۳۷۶.
- ۶- مرکز عملیات جنگ سپاه: *نبرد العمیه*، چ اول، سال ۱۳۷۵.
- ۷- مرکز مطالعات جنگ سپاه: *از خونین شهر تا خرمشهر*، چ دوم، سال ۱۳۷۳.
- ۸- مرکز مطالعات جنگ سپاه - *معاونت سیاسی ستاد سپاه: از خرمشهر تا فاو*، چ سوم، سال ۱۳۶۸.